

****July 24, 2026**** متن فارسی خطاب به ایرانیان در زیر

****The Honorable Donald J. Trump****

President of the United States

****CC:** Vice President J.D. Vance**

Secretary of State Marco Rubio

****Mr. President,****

For nearly half a century, U.S. policy toward Iran has listened to countless voices outside Iran, yet very few have offered a practical roadmap for ending the crisis peacefully.

Millions of Iranians now live outside their homeland. They have built successful businesses, media organizations, political groups, and advocacy networks. Yet despite enormous resources, the opposition abroad remains deeply fragmented. Many organizations have spent decades debating personalities, promoting rival leaders, drafting competing constitutions, or proposing transitional governments, instead of supporting a process through which the Iranian people themselves can decide their future.

Meanwhile, inside Iran, the central constitutional question has never disappeared.

From the early years following the 1979 Revolution, to the Green Movement, to the "Woman, Life, Freedom" movement, and in numerous public statements issued by lawyers, academics, political activists, and civil society figures, one recurring theme has emerged: Iran ultimately needs a constitutional process that returns sovereignty to its people.

Different groups inside Iran have written different constitutional proposals. None of them should be imposed. They should simply become documents for consideration by a freely elected Constituent Assembly.

That is the essential distinction.

The solution is not selecting another ruler, another exile government, or another ideology. It is allowing the Iranian people to write the rules under which they choose to govern themselves.

I do not blame foreign governments for pursuing their own national interests. Every nation does so. Nor do I underestimate the security concerns facing the United States.

But if your objective—as I believe it is—is to resolve the Iranian crisis permanently rather than manage it indefinitely, then the political conversation should move from military confrontation to constitutional reform.

Change the battlefield from missiles and military calculations to the Constitution itself.

Support the Iranian people's right to elect a Constituent Assembly and peacefully establish a new constitutional order of their own choosing.

That approach offers a peaceful alternative to both endless confrontation and destructive war.

Respectfully,
Sohrab ChamanAra

ایرانیان آمریکایی، ##

متن زیر در اصل خطاب به اپوزیسیون خارج از کشور است. نسخه انگلیسی آن، که بر اساس همین مطالب تنظیم خواهد شد، به کمتر از ۴۰۰۰ کاراکتر خلاصه می‌شود تا برای رئیس‌جمهور ایالات متحده و با رونوشت برای معاون رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه از طریق وب سایت کاخ سفید ارسال گردد و همزمان در وب سایت سایروس فورس گذاشته میشود

www.cyrusforce.org

آقای رئیس جمهور،

نزدیک به نیم قرن از انقلاب ۱۳۵۷ گذشته است. در این مدت، جمعیت ایرانیان خارج از کشور چندین برابر شده و امروز میلیون‌ها ایرانی در اروپا، آمریکا و سایر نقاط جهان زندگی می‌کنند. این جامعه از نظر علمی، اقتصادی و رسانه‌ای ظرفیت عظیمی دارد؛ ظرفیتی که می‌توانست در خدمت یافتن راه‌حلی برای پایان دادن به بحران ایران قرار گیرد.

اما پرسش اساسی این است: پس از چهل و هشت سال، دستور سیاسی این همه رسانه، سازمان، حزب، انجمن، شورا، کنگره، ائتلاف و شخصیت‌های مدعی رهبری چه بوده است؟

بخش قابل توجهی از رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور، سال‌هاست که به جای ارائه یک نقشه راه عملی، زندگی گذشته، اختلافات سیاسی، شخصیت‌سازی، شخصیت‌کشی و تحلیل‌های روزمره را جایگزین برنامه‌ای برای آینده ایران کرده‌اند. بسیاری از آنها هر هفته ساعت‌ها درباره اخبار سخن می‌گویند، اما وقتی نوبت به ارائه یک راه‌حل مشخص برای آینده ایران می‌رسد، سکوت اختیار می‌کنند.

گروه دیگری، هر یک از پیش برای ایران دولت، قانون اساسی، رهبر، شورای انتقالی یا ساختار قدرت طراحی کرده‌اند؛ گویی ملت ایران هیچ نقشی در تعیین سرنوشت خود ندارد. در حالی که تجربه یک قرن گذشته نشان داده است که هیچ قانون اساسی پایداری بدون مشارکت و رأی مردم مشروعیت نخواهد داشت.

اگر به مبارزات مردم ایران در چهار دهه گذشته نگاه کنیم، یک خط مشترک دیده می‌شود. از اعتراض‌های نخستین سال‌های پس از انقلاب، تا جنبش سبز، تا اعتراضات آبان، تا جنبش «زن، زندگی، آزادی» و بیانیه‌های متعدد فعالان سیاسی و مدنی، همواره بحث بازنگری بنیادین در ساختار حقوقی و سیاسی کشور مطرح بوده است. بسیاری از حقوق‌دانان، استادان دانشگاه، فعالان مدنی و گروه‌های سیاسی داخل ایران پیش‌نویس‌های مختلف قانون اساسی را تنها به عنوان پیشنهاد برای بررسی در مجلس مؤسسان ارائه کرده‌اند، نه به عنوان قانونی که از پیش بر مردم تحمیل شود.

در مقابل، بخش بزرگی از اپوزیسیون خارج از کشور همچنان گرفتار رقابت‌های شخصی، اختلافات تاریخی و نزاع‌های بی‌پایان است. نتیجه آن شده است که صدای واقعی مطالبات داخل ایران در فضای بین‌المللی ضعیف‌تر از صدای اختلافات خارج از کشور شنیده می‌شود.

اکنون نیز، در حالی که خطر جنگ و ویرانی بیش از هر زمان دیگری ایران را تهدید می‌کند، انتظار طبیعی آن است که این همه تشکل و رسانه، به جای تشویق سیاست‌های پرهزینه یا صرفاً تفسیر رویدادها، یک راحل مشترک را به دولت‌های غربی پیشنهاد کنند؛ راحلی که بر اراده مردم ایران استوار باشد.

به باور من، آن راحل روشن است:

نه جنگ

نه حفظ وضع موجود

بلکه انتقال گفتمان از میدان نظامی به میدان حقوقی

یعنی حمایت از حق مردم ایران برای تشکیل ****مجلس مؤسسان**** و تدوین یک قانون اساسی جدید به وسیله نمایندگان منتخب ملت.

اگر کسی واقعاً نگران آینده ایران است، باید از این مطالبه حمایت کند؛ نه اینکه ده‌ها دولت موقت، ده‌ها قانون اساسی از پیش نوشته شده و ده‌ها رهبر خودخوانده به مردم معرفی کند.

راه آینده ایران از اراده مردم ایران می‌گذرد، نه از رقابت میان گروه‌های خارج از کشور.